**بسمه تعالی**

**جستجوی فلسفه سیاسی انقلاب اسلامی در بیانیه گام دوم انقلاب**

 دوران چهل سال گذشته را می توان فرایند نمایان شدن قدرت درونی نظام اسلامی تلقی کرد. این قدرت درونی از عنایات الهی و ایمان دینی مردم نشأت می گیرد و در مقطع کنونی به موقعیّت تثبیت شده ای نایل شده است. بیانیه گام دوم انقلاب اسلامی که از طرف مقام معظم رهبری صادر گردید، چنین موقعیتی را تبیین می کند و بنیانهای فلسفه سیاسی انقلاب اسلامی را می توان در آن ردیابی کرد. شاید مهمترین عبارت از این نظر مربوط به تعبیر ایشان از مفاهیم استقلال و آزادی باشد که می فرمایند: «استقلال ملّی به معنی آزادی ملّت و حکومت از تحمیل و زورگویی قدرتهای سلطه‌گر جهان است. و آزادی اجتماعی به‌معنای حقّ تصمیم‌گیری و عمل کردن و اندیشیدن برای همه‌ی افراد جامعه است؛ و این هر دو از جمله‌ی ارزشهای اسلامی‌اند و این هر دو عطیّه‌ی الهی به انسانها‌یند و هیچ کدام تفضّل حکومتها به مردم نیستند. حکومتها موظّف به تأمین این دو اند.»

اینکه استقلال و آزادی از جنس عطیّه های الهی دانسته شود، سنگ بنای تفکر سیاسی اسلامی و وجه تمایز آن با دیگر اندیشه ها می باشد. این معنی را در وصیت نامه امام خمینی(ره) هم می توان دید که در مورد انقلاب اسلامی می فرمایند: «بنابراین شک نباید کرد که انقلاب اسلامی ایران از همه انقلابها جدا است: هم در پیدایش و هم در کیفیت مبارزه و هم در انگیزه انقلاب و قیام. و تردید نیست که این یک تحفه الهی و هدیه غیبی بوده که از جانب خداوند منان بر این ملت مظلوم غارتزده عنایت شده است.» و یا اینکه می فرمایند: «اسلام و حکومت اسلامی، پدیده الهی است.» امام راحل در مورد ولایت فقیه هم در تاریخ ۹ آبان ۱۳۵۸ چنین بیانی دارند: «ولایت فقیه برای مسلمین یک هدیه‌ای است که خدای تبارک و تعالی داده است ... ولایت فقیه برای شما یک هدیه الهی است.»

با این نگاه الهی به تحولات سیاسی و اجتماعی جوامع بشری، دیگر مفاهیم سیاسی هم معانی عمیقتری را پیدا می کنند. همچنانکه مقام معظم رهبری در این بیانیه در مورد مفاهیم مشروعیت و مقبولیت ذکر می کنند: « نظامی چون جمهوری اسلامی که نیازمند مشروعیّتی فراتر از مشروعیّتهای مرسوم و مبنائی‌تر از مقبولیّت اجتماعی است.» درواقع چون قدرت خداوند است که ظاهر می شود، لذا مشروعیّت و مقبولیّت حکومت منتسب به آن هم تفاوت ماهوی با حکومتهای مرسوم خواهد داشت.

به این دلیل است که می توان از حرکت به سمت تمدن نوین اسلامی و آمادگی برای ظهور حضرت صاحب الامر(عج) سخن گفت که می فرمایند: « آرمان بزرگش که ایجاد تمدّن نوین اسلامی و آمادگی برای طلوع خورشید ولایت عظمی (ارواحنافداه) است.» دومین مرحله انقلاب را هم خودسازی و جامعه پردازی و تمدن سازی ذکر می کنند و فرایند چهل سال دوم را بزرگ و جهانی تلقّی می نمایند.

شروع چلّه دوم انقلاب اسلامی را شاید بتوان آشکار شدن جنبه علوم انسانی آن به شمار آورد. تحولات آتی کشور از جنس علوم انسانی خواهد بود و به نظر می رسد که مقام معظم رهبری هم در بیانیه به این موضوع التفات داشته اند. بویژه که از عمومی شدن و حضور در ساحتهای زندگی برای روشنفکری در جامعه انقلابی ایران صحبت می کنند: «از انحصار طبقه‌ی محدود و عزلت‌‌گزیده‌ای به نام روشنفکر، بیرون آورد؛ این‌گونه، روشنفکری میان عموم مردم در همه‌ی کشور و همه‌ی ساحتهای زندگی جاری شد.»

تذکر به وظیفه و همراهی دولتها و حکومتها در برابر شعور معنوی و وجدان اخلاقی در جامعه هم بعد دیگر فلسفه سیاسی این بیانیه را نمایان می سازد. «اخلاق و معنویّت، البتّه با دستور و فرمان به دست نمی‌آید، پس حکومتها نمیتوانند آن را با قدرت قاهره ایجاد کنند، امّا اوّلاً خود باید منش و رفتار اخلاقی و معنوی داشته باشند، و ثانیاً زمینه‌ را برای رواج آن در جامعه فراهم کنند و به نهادهای اجتماعی دراین‌باره میدان دهند و کمک برسانند؛ با کانونهای ضدّ معنویّت و اخلاق، به شیوه‌ی معقول بستیزند و خلاصه اجازه ندهند که جهنّمی‌ها مردم را با زور و فریب، جهنّمی کنند.» اگر دولتی مدعی باشد که وظیفه اش نیست که مردم را به بهشت رهنمون سازد؛ جلوگیری از عملکرد مخرّب جهنّمی‌ها، وظیفه حتمی و اوّلیه آن خواهد بود.

در نهایت باید به مفهوم "امید و نگاه خوش‌بینانه به آینده" که در این بیانیه مورد تأکید بود اشاره کرد. به استقبال آینده رفتن و حتی خود را در گرو آینده ای گذاشتن که دست قدرت و مدیریت الهی را بیشتر نشان خواهد داد؛ از مهمترین مبانی تفکر سیاسی اسلامی است. این معنی است که تمایز از سلفیگری و از سناریو نویسی های آینده پژوهانه ای که سعی در به خدمت گرفتن آینده برای خواسته ها و تمایلات کنونی دارند را بارز می کند. به این ترتیب، بیانیه گام دوم را باید بیان ظرفیّتها و امید و انتظار خوش بینانه انقلاب اسلامی برای استقبال از فضاهای وسیع تر آینده تلقی نمود.

محمد علی فتح الهی